

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۰۸/۱۸/۱۲

## بازتاب منطقوی حمله تروریستی در ممبی

حادثه تروریستی ۲۶ نوامبر در ممبی، هند را سخت تکان داد و ضعف استخباراتی و امنیتی اش در حمایت از مردم و حاکمیت آن مورد سوال قرار گرفت. از روز اول، مقامات هند، پاکستان را منبع این حرکت تروریستی دانسته، اما اسلام آباد طبق روش همیشگی، اینبار هم از دخالت پاکستان در حادثه تروریستی ممبی انکار ورزیده است. وخامت اوضاع قدرت های خارجی را در تکاپو انداخت تا از اوج گیری تشنج جلوگیری نموده و این دو کشور را از تصادم نظامی باز داشته و برای احیای نفوذ سیاسی خود در منطقه ازین بحران بهره برداری نمایند. مطبوعات دنیا حمله تروریستی در ممبی را، ۱۱ سپتامبر هند نامیده و تشابهاتی را بین ایندو مشاهده میکنند. اول اینکه سازمان های تروریستی در هر دو حادثه دخیل بودند. دوم اینکه ممبی و نیویارک هر دو مراکز تجارتی و مالی هند و امریکا شناخته شده است. و بالاخره هر دو حادثه تأثیرات منطقوی و جهانی را در بر داشته است. درین مضمون، بازتاب حادثه تروریستی ۲۶ نوامبر در ممبی و تأثیرات منطقوی آنرا مورد ارزیابی قرار میدهم.

### هند

بعد از اجرای حمله تروریستی در ممبی، دولت هند پاکستان را نقطه آغاز این حادثه دانست و اسنادی هم درین زمینه ارائه داد که "لشکر طیبه" (Laskar-e-Taiba) در پاکستان مسؤول این حادثه تروریستی بود. چنانچه یکی از افراد دستگیر شده به نام داوود ابراهیم کسکار به دخالت مستقیم "لشکر طیبه" اعتراف نمود. با وجودیکه امریکا، برتانیه و یک تعداد از کشور های متمایل به هند، موقف این کشور را به ارتباط حادثه تروریستی در ممبی تأیید کردند و از پاکستان در بازداشت افراد و رهبران سازمان تروریستی "لشکر طیبه" و حامیان آنها شدت عمل خواستند، مقامات هند از جریان کار زیاد راضی به نظر نمیرسیدند. مقامات هند این حادثه را سرآغاز صف آرائی جدیدی در منطقه تلقی کرده و سعی نموده اند که هند را از قید فضای سیاسی بعد از سقوط شوروی که بر منطقه حاکم است، برهانند.

سفر یک هفته بعد از حادثه تروریستی دیمتری مدویدیف رئیس جمهور روسیه بهترین فرصت را به هند داد که روابط ستراتیژیک و عنعنوی خود را با روسیه دوباره مورد تجدید نظر داده و شاید در آینده هم آنها را تا سطح جنگ سرد برساند. سقوط شوروی و حاکمیت جهانی امریکا، اکثر کشور ها بشمول هند را به این طرز دید وادار ساخت که طالع خود را با امریکا بچنگانند. حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و عکس العمل خشن و دور از تعقل و تجاوزات امریکا بر افغانستان و عراق، زعامت هند را هم متقاعد ساخت که فضای جدید جهانی برای عروج هند باز شده و خواهد توانست که در رویا روئی با پاکستان از حمایت امریکا برخوردار گردد. لاکن حادثه تروریستی در ممبی و عکس العمل امریکا که زیاد برای هند دلچسپ نبود، زعامت هند را به این باور ساخت که امریکا منافع خود را در قدم اول در هر کجای دنیا تأمین میکند. تقاضای هند از امریکا در محکومیت پاکستان که هند آرزوی آنرا داشت به کدام نتیجه نرسید و دهلی اجباراً به مانور های جدیدی در صحنه سیاسی منطقه و جهان اقدام کرد. سفر عاجل و غیر مترقبه رئیس جمهور روسیه یکی از آن اقدامات سریع هند بود.

اعلامیه مشترک هند و روسیه، نگرانی هر دو کشور را از اوضاع بحرانی جهان و منطقه انعکاس داد که افغانستان هم جز آن بود. زعامت هر دو کشور آگاهانه سعی نمودند که فهم و شناخت مشترک خود را از سیستم جهانی توسعه داده و بر همان راستا عمل نمایند. بعد از يك زمان طولانی، روابط مسکو - دهلی تحرك و خیزش جدیدی بخود گرفت. اما اعلامیه مشترک هند و روسیه روحیه ضد امریکائی نداشت و هم ضرورتی به آن دیده نشد. صرف هر دو کشور خود را برای زمان آینده که امریکا رهبر بلامنازع در جهان خواهد بود، آماده میسازند. این يك پیروزی بزرگ سیاسی و دیپلماتیکی برای روسیه هم بود زیرا روسیه موفق شد که موقف هند را به ارتباط پالیسی روسیه نسبت به ناحیه قفقاز به نفع خود دور دهد که این خود يك موفقیت با اهمیت در رویارویی با امریکا شمرده میشود. قبل برآن، هند از تائید صریح ماجراجویی امپریالیستی روسیه خودداری ورزیده و آرزو نداشت که روابط خود را با امریکا و ناتو خدشه دار سازد. حمله تروریستی بر ممبی تردد هند را پایان بخشید.

هند متوقع بود که با ارائه مدارك غیر قابل انکار در مورد عملیات تروریستی در ممبی و همکاری بعضی عناصر استخباراتی پاکستان (آی اس آی) با "لشکر طیبه"، امریکا بدون تعلل جانب هند را گرفته و پاکستان را محکوم می نماید. اما امریکا توقع هند را برآورده نساخت بلکه صرف با وارد کردن فشار سیاسی بر پاکستان اکتفا نمود. هند دریافت که برای امریکا نگرانی هند زیاد مهم نیست، بلکه منافع امریکا در منطقه تقدم اولی دارد. پس دهلی مصمم شد که روابط خود را با سایر کشور ها به شمول روسیه مورد ارزیابی مجدد قرار داده و بر مبنای منافع مشترک با کشور های مورد نظر عمل نماید. در ستراتیژی جدید سیاسی هند، ایران (خصم امریکا) شامل خواهد بود و احتمالاً پیگنگ هم در مثلث ستراتیژیک، در تقابل با واشنگتن، به دهلی و مسکو خواهد پیوست و جهان را از يك قطبی فعلی بسوی چند قطبی رهنمون خواهند کرد.

## پاکستان

حادثه تروریستی ۲۶ نوامبر دو کشور هند و پاکستان را در آستانه برخورد های نظامی قرار داد که تا اکنون هم خطر آن کاملاً مرفوع نشده است. بر حسب گزارشات مطبوعات جهان، نیرو های هوایی هر دو کشور در حال آماده باش کامل درآمدند و ایام رخصتی عساکر و صاحب منصبان هر دو کشور تا امر ثانی به تعویق افتاده است. معلومات بدست آمده از منابع مختلف نشان میدهد که قوای اتمی پاکستان برای يك نبرد احتمالی که انهدام پاکستان را در بر داشت، آمادگی میگرفت. اگر واقعاً يك برخورد اتمی بین هند و پاکستان اتفاق بیافتد، تاثیرات آن منحصر به قلمرو هند و پاکستان محدود نمانده بلکه تمام منطقه را در آتش می کشد. پاکستان به جابجائی قوای خود آغاز کرد و يك قسمت از نیرو های خود را از شرق این کشور که به اصطلاح مصروف "جنگ با تروریست ها" بود بسوی سرحدات خود با هند سوق داد. روی همین هراس بود که ماموران عالیرتبه امریکا و برتانیه به سرعت خود را به دهلی و اسلام آباد رسانیدند تا حد اقل در حالت کنونی از شعله ور شدن آتش جنگ بین هند و پاکستان جلوگیری نمایند. البته که مساعی امریکا و برتانیه در راه رفع تشنج بین هند و پاکستان صرف به منظور تامین امنیت و ثبات در منطقه نبوده بلکه غرض تامین منافع استعماری و امپریالیستی این کشور ها براه انداخته شده است. ازدیاد تشنج و شعله ور شدن جنگ درین قسمت از جهان، اهداف استعماری امریکا و انگلیس و در ظاهر جنگ با تروریسم را سال ها به عقب می اندازد.

تهدیدات هند علیه پاکستان، فشار های دیپلماتیکی امریکا - انگلیس (؟) و تجویز تاریخی ۱۰ دسامبر شورای امنیت ملل متحد دال بر شناخت "جماعت الدعوا" منحیت پیشقراول "لشکر طیبه"، اسلام آباد را ناگزیر ساخت که يك تعداد از رهبران سازمان تروریستی "لشکر طیبه" را ظاهراً زیر نظارت بگیرد و شعبات تشکیل "جماعت الدعوا" را که صد ها مکتب و شفاخانه را اداره میکرد، ببندد. طبق گزارش ها "لشکر طیبه" که در کشمیر فعال بوده و از حمایت پاکستان خصوصاً آی اس آی و اردوی این کشور هم برخوردار است، مسؤول براه انداختن حادثه تروریستی ۲۶ نوامبر در ممبی شناخته شده است. سعی و مجاهدت دیپلماتیکی پاکستان در واشنگتن و اسلام آباد در دور نگهداشتن "جماعت الدعوا" که یکی از وسایل منابع عمده سیاسی پاکستان به شمار میرود، در ظاهر قضیه ضربه بزرگی به اردوی پاکستان و آی اس آی تلقی میگردد. آی اس آی از طریق جماعت الدعوا و لشکر طیبه، درد سر های عجیبی برای هند خلق کرده است. هند مدارك غیر قابل انکار را به ارتباط دست داشتن "لشکر طیبه" در حادثه تروریستی از طریق امریکا به پاکستان سپرد و در آن خواستار اقدامات جدی از جانب پاکستان شد. جنرال های پاکستانی که بعد از سقوط مشرف موقتاً خود را از سیاست کنار کشیده بودند، دوباره به فعالیت آغاز کردند تا مانع هر گونه محکومیت پاکستان شوند. ایشیا تایمز آنلاین بتاريخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۸ گزارش چنین نگارش داد:

به مطبوعات پاکستان هدایت داده شد که حمله بر ممبی را زاده يك توطئه ای معرفی بدارد که ذریعه سازمان استخباراتی هند (راو)، موساد اسرائیل و سی آی ای امریکا برنامه ریزی شده که میخواهند حلقه محاصره را بدور پاکستان تنگ تر نمایند. حینیکه به اداره بوش توسط لوی

**درستیز جنرال پرویز کیانی اطمینان داده شد که اقدامات جدی علیه لشکر طیبه صورت خواهد گرفت، اردو به حکومت غیر نظامی پاکستان هدایت داد که يك فرق بين "لشکر طیبه" و "جماعت الدعوا" بگذارد.**

تایمز اف اندیا (Times of India) بتاريخ ۱۴ دسامبر گزارش داد که پاکستان رهبران "جماعت الدعوا" را رها ساخته و فعالیت این تشکیل خطرناک را منع نکرده است. اگر این گزارش درست باشد، پاکستان مانند همیشه از هر گونه مسئولیت سیاسی و بین المللی شانه خالی میکند و میداند که امریکا و انگلستان سرانجام بدادش خواهد رسید.

فعالیت های دیپلماتیکی واشنگتن و لندن در رفع تنش بین هند و پاکستان در واقعیت نجات پاکستان از زیر ضربات احتمالی و مرگبار هند بود. امریکا میداند که هر گونه تصادم نظامی بین این دو کشور منجر به تبادلۀ اسلحۀ اتمی خواهد شد که يك متحد مریض مانند پاکستان به آسانی از عهدۀ آن بر نخواهد آمد و در نتیجه کلیه محاسبات سیاسی و ستراتیژیک امریکا در منطقه از ریشه آسیب پذیر خواهد شد. بایست خاطر نشان سازم که دوکترین اتمی پاکستان بر مبنای استعمال اول اسلحۀ اتمی استوار است. "یعنی اگر هند با برتری کیفیتی و کمیتی نظامی اش با اسلحۀ غیر اتمی هم بر پاکستان یورش برد، پاکستان برای دفاع و بقای خود از استعمال اسلحۀ اتمی خود داری نخواهد کرد." با وجود تنش های سطحی میان اسلام آباد، واشنگتن و لندن، پاکستان هنوز هم در جناح حمایتی غرب قرار داشته و ازین کشور در تعادل منطقه (بزعم امریکا) به نفع غرب استفاده میشود. از همین جاست که بدگمانی هند نسبت به نقش امریکا در منطقه و صداقت این کشور در مبارزه با تروریسم افزایش یافته و بنابراین در صدد خلق توازن سیاسی است که بتواند يکه تازی امریکا را خنثی کند و پاکستان را زیر فشار فزاینده خود قرار دهد.

احیاناً اگر جنگ گرم بین هند و پاکستان در میگرفت، نیرو های تند رو مذهبی، طوریکه اعلام نمودند، به نفع اسلام آباد داخل صحنه میشدند و این انکشافی میبود که برای امریکا و ناتو مصیبت خلق میکرد و تمام محاسبات سیاسی و نظامی شان را برهم میزد. لذا امریکا و برتانیه مصمم شدند به هر قیمتی که شده از برخورد نظامی هند و پاکستان جلوگیری نمایند و سرمایه گذاری های سیاسی و اقتصادی خود را در منطقه محفوظ نگهدارند.

## ایران

نظام آخندی ایران حملۀ تروریستی در ممبی را محکوم نمود و آنرا جیونانه خواند. تهران تایمز بتاريخ اول دسامبر ۲۰۰۱ نوشت، "ایران معتقد است هر کسی و هر کشوری که از حادثۀ تروریستی سپتامبر ۱۱، ۲۰۰۱ سود جست، از حادثۀ تروریستی در ممبی هم در ساحۀ بین المللی مستفید میشود." مریم رجوی رئیس جمهور مقاومت ایران (مجاهدین خلق که به عراق پناهنده شدند) هم حملۀ تروریستی در ممبی را به شدت انتقاد نمود. مریم رجوی تاکید نمود که "قلب تندروی اسلامی و تروریسم زیر نظر حاکمیت در ایران می تپد. با شروع نظام آخندی تولد شد و با ختم آن به پایان می رسد" (<http://ncr-iran.org>).

نظام آخندی صرف به محکومیت حادثۀ تروریستی اکتفا نمود اما در انتقاد از پاکستان خاموش باقی ماند. پالیسی ایران در منطقه طوری عیار شده که وقوع هر حادثۀ باید منافع سیاسی ایران را تامین کند. اینکه برهم خوردن اوضاع در منطقه ضربه ای بر طرح های استعماری امریکا وارد میکند، رضایت ایران را در مجموع فراهم میسازد. در معادلۀ سیاسی نظام آخندی، هر درد سر برای امریکا يك موفقیت برای ایران محسوب میگردد. ایران میداند که رفع تنش در جنوب آسیا و شرق میانه، باعث خواهد شد که امریکا توجه خود را بیشتر متوجه ایران سازد. بنابراین مصروف نگهداشتن امریکا در عراق، افغانستان و خلق معضلات دیگر برای امریکا در منطقه، موثریت دوکترین امنیتی نظام آخندی ایران را تثبیت می نماید.

## افغانستان

حملۀ تروریستی در ممبی، امریکا و ناتو را که سعی در تثبیت قدرت خود در افغانستان، حمایت حکومت مسمراتی در کابل و شکست طالبان دارند، در بلا تکلیفی جدی قرار داد. تزئید تنش و احتمال برخورد نظامی بین هند و پاکستان، فعالیت نظامی امریکا و ناتو را علیه طالبان در افغانستان به موانع جدی مواجه خواهد ساخت و توجه آنها را بسوی بحران دیگر معطوف خواهد نمود. بنابراین از نظرگاه امریکا و متحدین، خلق و اوج گیری تنش و جنگ بین هند و پاکستان مانع عمده تطبیق طرح های سیاسی امریکا در منطقه خواهد شد.

پاکستان از روی بی میلی با امریکا و ناتو در مجادله علیه طالبان سهم میگیرد. در صورت صعود بحران و جنگ، پاکستان بهترین بهانه را برای ترك همکاری خود در مبارزه علیه تروریسم خواهد داشت. اینرا همه میدانند که پاکستان

هرگز از روی صداقت در میدان عمل برضد تروریسم مجادله نمیکند و برخورد بین این دو کشور هم بهترین بهانه را برای پاکستان حتی در ترك میدان جنگ ساختگی خواهد داد. نیرو های اسلام سیاسی وعده هر گونه همکاری را بدولت پاکستان داده اند که در صورت حمله هند، آنها در عقب اسلام آباد استاده خواهند شد. حمله بر کاروان لاری ها در پشاور که اموال را برای قوای امریکا و ناتو حمل میکردند، میتواند زنگ خطر برای امریکا و متحدین باشد. چنین حوادث در پاکستان نمیتواند بدون اشاره و همکاری سازمان استخباراتی آن کشور یعنی آی اس آی اتفاق بیافتد. بدون تردید که عمل پاکستان در افغانستان در قیافه طالبان و یا حزب اسلامی و جمعیت اسلامی بر منافع هند و غرب در افغانستان حمله ور خواهند شد و حملات خودکشانه را به اشاره آی اس آی شدت خواهند بخشید. لذا يك افغانستان مستعمره با نظام ضد ملی اش که هیچگونه پایه ملی و مردمی ندارد، ضربات کشنده ای را در تمام سطوح متقبل خواهد گردید بدون اینکه بتواند کمترین کاری برای امنیت و ثبات خود انجام دهد.

قابل یادآوری است پاکستان بقدر کافی برای خود عمال در افغانستان تربیه کرده است. از احمد شاه مسعود وربانی و گلبدین گرفته تا حقانی و سیاف و ملا عمر همه در گذشته و حال روزگاری را در خدمت آی اس آی گذرانده اند. اکنون هم ایران و پاکستان صد ها تن جاسوس در مقامات عالیه دولت مستعمراتی کابل دارند.

امریکا و متحدین آگاهند که تقلیل فشار بر طالبان و نیرو های حکمتیار و حقانی، باعث خواهد شد که این نیرو ها تجدید قوا نموده تا خود را برای حملات بعدی در داخل افغانستان آماده سازند. برای پاکستانی در حال جنگ با هند، بار دیگر این فرصت را خواهد داد که بحران را در منطقه به نفع خود بچرخاند و از فشار بر خود و عمالش در افغانستان بکاهد. روی این ملحوظات امریکا و برتانیه سعی نموده اند که به هر نحوی ممکنه، هند و پاکستان از يك برخورد نظامی باز دارند و ایندو کشور را به همکاری و مذاکره با همدیگر وادار سازند. تصام نظامی بین هند و پاکستان همچنان جنگ قایمقامی را در افغانستان تشدید خواهد کرد و این کشور بار دیگر پامال مزدوران اجانب خواهد شد. در دهه ۱۹۸۰، هند از نظام دست نشانده شوروی در کابل حمایت نمود و پاکستان از تنظیم های ساخت خود و مورد حمایت امریکا. در دهه ۱۹۹۰، هند از ائتلاف شمال متمایل به شوروی پشتیبانی نمود و پاکستان از مخلوق خود و غرب یعنی تحریک طالبان. ایران هم منافع خود را در تنظیم های مذهبی ساخت ایران یافت. جنگ های داخلی ۱۹۹۲-۱۹۹۶ که در حقیقت زور آزمائی قدرت های منطقه و جهانی میان هم بود، افغانستان را به يك ویرانه تبدیل نمود. بنابراین ازدیاد بحران در منطقه، افغانستان را بار دیگر صحنه کشت و مات پاکستان، هند و ایران خواهد ساخت که قوت های طراز اول جهان هم در عقب آنها سنگر خواهند گرفت. بازنده اصلی، کشور ویران افغانستان و ملت ستمکش افغان خواهد بود.